

# اراذل را بیرون بریزیم

## ارزش کم نظیر افشاگری های درونی رژیم

تراب حق شناس

... و یکی از اهل خانه او شهادت داد  
(داستان یوسف و زلیخا)

امروز به برکت مبارزه ای که ۳۰ سال است برای طرد باند اراذل حاکم بر ایران جریان دارد و شکاف ترمیم ناپذیری که به همین دلیل در ارکان رژیم افتاده، نه یکی از اهل خانه که هر روزکسان جدیدی از مؤسسين و کارگزاران آن علیه او شهادت می دهند. اگر خمینی در سال ۱۳۴۲ به دنبال اصلاحات ارضی و تهدیدی که روحانیت و متولیان اوقاف و مالکان ارضی علیه مصالح خود احساس می کردند فریاد می زد: «رفت اسلام!»، امروز کسانی کشتی رژیم و اسلام شان، کشتی قدرت سیاسی، نظامی و طبقاتی شان را در خطر غرق و افتادن به زباله دان تاریخ می بینند... شهادت اینان و شکوه ها و گلایه هاشان نه صرفاً حاصل مبارزات اخیر، بلکه دستاورد تراکم مبارزه خستگی ناپذیری ست که گورستان ها و زندان ها و جهنمی که برای اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمتکشان ساخته اند شاهد آن است.

جنبش مردمی و حق طلب ایران در برابر این گواهی ها که از زبان آیت الله منتظری (تئوریسین و توجیه کننده ولایت فقیه) و دیگر روحانیون درجه اول شنیده می شود، یا از جانب شخصیت هایی مانند مهدی کروبی (رئیس سابق مجلس که بر «حکم حکومتی» خامنه ای برای مسکوت گذاشتن مسأله سانسور گردن نهاد)، یا از جانب دست پروردگان رژیم که ۳۰ سال آن را تر و خشک کردند، برایش سینه زدند و فربه شدند و هنوز از آن منتفع اند پخش می شود، نمی تواند بی اعتنا باشد. اینان از رنج ها و آرزوهای دموکراتیک و عادلانه توده مردم بسیار فاصله دارند، اما امروز به دلایلی که با انگیزه های مردم زحمتکش یکی نیست، به دستگاهی که از آن دفاع می کرده اند سخت معترض اند و گاه با جسارت و شجاعتی شایان تقدیر بر او می تازند و تاوانش را نیز می پردازند. در مبارزه برای براندازی رژیم، برای هموار کردن راه به سوی تحقق آزادی - برابری، آنها عملاً با توده به جان آمده و به پاخاسته تا محدوده معینی همسو هستند. موضع گیری های آنان ارج و قرب تاریخی کم نظیری دارد. جنبش مردمی به اینان توهمی نمی تواند داشته باشد، اما این موضع گیری شان را فراموش نمی کند. اعتراض آنها دستاورد مبارزات خونین مردم است. آنان همه در یک سطح نیستند. کسانی مانند عبدالکریم سروش و محسن مخملباف حواسشان متوجه آینده است و در خارج کشور برای آینده محتمل که رژیمی دیگر بر سر کار آید سرمایه گذاری می کنند «که گربه عابد شد» اما در داخل کشور زیر گلوله و شلاق و آلت قتاله و آلت جنسی آماده برای تجاوز به مرد یا زن، وضع فرق می کند. بنگرید که کار

رژیم برای دفاع از مصالح و قدرتش در برابر طوفان خشم توده ها به جایی رسیده که همه آلت های وحشیانه اش را به کار گرفته است: از تکفیر و ارتداد تا دادگاه های چند دقیقه ای، تا اعدام ها و خاوران ها و «تواب سازی ها»، تا اخراج ها و گرسنه نگه داشتن کارگران، تا وضعیت کارتون خوابها، تا ترور نویسندگان مخالف سانسور، تا انواع فریبکاری های دینی و میهنی، تا تجاوز جنسی... دفاع آنها از قدرت و منافع بادآورده طبقاتی شان آنها را در کنار استعمارگران فرانسوی و تجاوز به جمیله ها در زندان های الجزایر، و در کنار تجاوزگران آمریکایی در زندان ابوغریب قرار می دهد. اینکه باند اراندل کارشان به اینجا برسد نشانه ضعف و آغاز زوال رژیم شان است. نشانه سحر مردمی است. این است که به خصوص، باید جنایتکار زخمی شده را رها نکرد، او را در نظر مردم ایران و جهان با استناد خردمندان و منطق درست انقلابی، هرچه بی ابروتر کرد و نقیض طبقاتی، ایدئولوژیک و رفتاری رژیم را پدید آورد.

«اراندل را بیرون بریزیم.» این شعار مردم قهرمان ویتنام علیه تجاوزگران آمریکایی بود...

۱۶ سپتامبر ۲۰۰۹

